

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای

علیرضا کوهکن^۱ / اکرم محمدی‌نسب^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۲

چکیده

یکی از مسائل بحث برانگیز در تمامیت ارضی کشورهای جهان، مسأله اختلافات ارضی و مرزی است. در جنوب شرق آسیا، بیشتر کشورها با چین بر سر مجموعه جزایر گوناگونی اختلاف دارند. از جمله این کشورها، کره جنوبی و ژاپن هستند. با کشف نفت و گاز در محدوده جزایر، تلاش‌ها برای حل این تنش‌ها تاکنون نافرجام باقی مانده است. از آنجا که کشورهای مثل کره جنوبی توانایی مقابله با چین را ندارند؛ لذا با کمک گرفتن از آمریکا، باعث شدند نفوذ این کشور در منطقه افزوده شده و رقابت‌های تسلیحاتی به شدت بالا بگیرد و همین امر باعث افزایش بی‌ثباتی در منطقه شده است. با این توضیحات، سؤال اصلی مطرح شده در مقاله این است که تنش در روابط ژاپن و چین و کره جنوبی بر سر جزایر مورد مناقشه چه تاثیری به ثبات در شرق آسیا داشته است؟ به نظر می‌رسد تنش در روابط این کشورها بر سر جزایر مورد مناقشه باعث افزایش مسابقات تسلیحاتی و بی‌ثباتی و از طرف دیگر، باعث نفوذ قدرت‌های بزرگ؛ از جمله آمریکا در منطقه شده است. روش به کار رفته در مقاله، از حیث جمع‌آوری داده‌ها، شیوه تاریخی و اسنادی و از نظر تجزیه و تحلیل، شیوه تبیینی - تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: چین، ژاپن، کره جنوبی، جزایر سنکاکو / دیاثویو، جزایر تاکیشیما / دوکدو، آمریکا

۱. استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی koohkan@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

در منطقه شرق آسیا مجموعه جزایر گوناگونی وجود دارد که بر سر حاکمیت آنها بین کشورهای منطقه اختلاف وجود دارد. در چند سال اخیر، در شرق آسیا، خبرها حکایت از تشدید اختلافات بین کشورهای چین، کره جنوبی و ژاپن بر سر تعدادی از جزایر دارد. اختلاف چین و ژاپن در دریای چین شرقی بر سر حاکمیت جزایر غیرمسکونی که ژاپنی‌ها به آن سنکاکو (*Sankaku*) و چینی‌ها به آن دیائویو (*Diaoyu*) می‌گویند و حاکمیت کنونی این جزایر با ژاپن است؛ از طرف دیگر، اختلاف بین کره جنوبی و ژاپن در دریای ژاپن بر سر حاکمیت جزایری که کره جنوبی آن را دوکدو (*Dokdo*) می‌نامد و ژاپن به آن تاکیشیما (*Takeshima*) می‌گوید و حاکمیت کنونی آن با کره جنوبی است، باعث بروز تنش‌هایی در منطقه شرق آسیا شده است. در حال حاضر، هیچ یک از کشورها از مواضع خود کوتاه نیامده‌اند و مالکیت و حاکمیت جزایر نامبرده را حق قانونی خود می‌دانند. با وجود چنین تنش‌هایی در منطقه شرق آسیا هر یک از کشورها به دنبال افزایش تسلیحات نظامی خود از طریق خرید تسلیحات و برگزاری رزمایش‌های نظامی هستند و این امر به بی‌ثباتی در منطقه افزوده است. تهدیدات نظامی مطرح شده از سوی سه کشور از وقوع بحرانی بزرگ در آینده خبر می‌دهد. نقش آمریکا در پیچیده‌تر شدن بحران را نمی‌توان نادیده گرفت. تلاش برای حمایت از متحدان خود؛ یعنی ژاپن و کره جنوبی علیه رقیب اصلی خود، چین به اشکال مختلف دیده شده است.

از آنجا که چین، ژاپن و کره جنوبی به ترتیب دومین، سومین و پانزدهمین اقتصاد بزرگ در دنیا هستند، این مناقشه منطقه‌ای به‌طور بالقوه بسیار بااهمیت است (*Chakravorty, 2013: 1-38*) و به همین جهت، ضروری است ادبیات علمی به زبان فارسی نیز در این باره ایجاد شود.

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۶۳

متاسفانه، مسأله مربوط به امور دریاها، هم اکنون باعث افزایش نگرانی‌ها در سطوح بین‌المللی شده است. از جنگ جهانی دوم، اقیانوس به منبع بی‌ثباتی در سیستم بین‌المللی تبدیل شده است (Yee, 2011:166).

در این مقاله پس از بررسی وضعیت مناقشه، تلاش شده است راه‌های احتمالی حل بحران نیز مطرح شود. با بررسی منابع فارسی موجود، به نظر می‌رسد مقالات در موضوع مناقشات ارضی کشورهای شرق آسیا چنانکه شاید و باید در داخل وجود ندارد و بیشتر موضوعات مقالات در مورد اقتصاد چین و ژاپن و کره جنوبی است. با توجه به همین موضوع، آوردن بخش پیشینه موضوع در این مقاله ضرورت خود را از دست می‌دهد. البته، در خصوص وضعیت مناقشات ارضی در شرق آسیا مطالب انگلیسی وجود دارد. درباره مقوله امنیت در شرق آسیا نیز تحقیقاتی انجام شده است؛ ولی تلاش این مقاله ایجاد ارتباط بین این دو موضوع است. بنابر آنچه بیان شد، سؤال اصلی مطرح شده در مقاله آن است که تنش در روابط ژاپن، چین و کره جنوبی بر سر جزایر مورد مناقشه چه تاثیری در ثبات شرق آسیا داشته است؟ پاسخ احتمالی این مقاله که در حقیقت فرضیه این تحقیق را شکل می‌دهد، عبارت است از اینکه به نظر می‌رسد تنش در روابط این کشورها درباره جزایر مورد مناقشه، باعث افزایش مسابقات تسلیحاتی و بی‌ثباتی از یک طرف و نفوذ قدرت‌های بزرگ؛ از جمله آمریکا از طرف دیگر در منطقه شده است. در دو قسمت به توضیح این مناقشات پرداخته شده است: در قسمت اول پس از ارائه پیشینه تحقیق و چارچوب نظری، به بررسی مناقشات سه کشور و موقعیت جزایر پرداخته شده و در بخش دوم موارد تنش‌زا در منطقه به طور دقیق توضیح داده شده است. روش مورد استفاده این مقاله، از حیث جنس داده‌ها شامل داده‌های تاریخی، اسنادی و آماری و از نظر تجزیه و تحلیل از شیوه تبیینی - تحلیلی است.

۱- چارچوب نظری

از دهه آخر قرن بیستم موضوع امنیت در ارتباط با مناطق خاص مورد توجه قرار گرفته است. موضوع تاریخ و جغرافیا بدان معناست که اکثر دولت‌ها روابط امنیتی خود را در یک منطقه خاص انجام می‌دهند؛ نه در چارچوب جهانی. یکی از عمده‌ترین مسائلی که امنیت بین‌المللی را مختل می‌کند و باعث بروز تعارض و جنگ در سیستم بین‌الملل می‌شود، دسترسی به منابع طبیعی است. از آنجا که منابع به صورت نابرابر در جهان توزیع شده است، این مسأله کشمکش‌هایی را برای دسترسی به آن به همراه دارد (قوام، ۱۳۹۲: ۳۶۲-۳۶۶). همان‌طور که تحقیقات و اکتشافات انجام شده تاکنون نشان داده، کشورهای واقع در جنوب شرق آسیا از نظر منابع نفت و گاز غنی نیستند؛ بنابراین، از زمانی که منابع نفت و گاز در جزایر مورد مناقشه در این منطقه کشف شده است، تنش‌ها و کشمکش‌ها به‌طور چشمگیری تشدید شده است. این امر باعث شده تا هر یک از کشورهای مدعی این جزایر برای دستیابی به این مناطق، به دنبال افزایش قدرت خود از جهات مختلف برآیند.

با توجه به این توضیحات، به نظر می‌رسد نظریه نواقع‌گرایی و در تکمیل آن، موازنه تهدید و هژمونی منطقه‌ای، بهتر بتواند حوادث رخ داده در جنوب شرق آسیا را توضیح دهد. نواقع‌گرایی، نظریه‌ای کلان در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. از منظر نواقع‌گرایی، اگر کشوری بخواهد پیروز و موفق باشد، چاره‌ای جز قرار دادن کسب قدرت در صدر اهداف فوری و ضروری خود ندارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۳۴).

آنچه در نظریه نواقع‌گرا بسیار حائز اهمیت است، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است. آنارشیک بودن نظام بین‌الملل باعث می‌شود کشورها نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد بوده و همواره از خطر جنگ نگران باشند و بنابراین، در تلاش برای کسب حداکثر قدرت در نظام بوده و برآیند؛ زیرا هرچه قدرت نظامی یک کشور بیشتر باشد، ضریب امنیتی بیشتر

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۶۵

خواهد بود. چین، قدرت بزرگ در شرق آسیاست و هم‌اکنون، پیشرفت‌های این کشور در برخی حوزه‌ها؛ به‌ویژه اقتصادی و تسلیحاتی، را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد.

در چارچوب نظریه نواقح‌گرایی، مساعی دولت‌ها به دو دسته تبدیل می‌شود: مساعی داخلی، در راستای افزایش توانایی‌های اقتصادی، نظامی و توسعه استراتژی هوشمندانه، و مساعی خارجی که به تقویت اتحادهای خودی و یا تضعیف اتحادهای طرف مقابل می‌انجامد (قوام، ۱۳۹۲: ۸۸). در نظریه هژمونی منطقه‌ای، یک هژمون «تنها قدرت بزرگ در نظام است». از این منظر، ایالات متحده آمریکا، تنها قدرت بزرگ در نیمکره غربی است؛ اما اینکه در عرصه نظام بین‌الملل ایالات متحده قدرت هژمون باشد، موضوعی چالش برانگیز است که مخالفان فراوانی دارد. با این همه، هم‌اکنون قدرت دیگری نیست که بتواند ادعای هژمونی جهانی داشته باشد؛ اما قدرت‌های متعددی در مناطق گوناگون هستند که مدعی هژمونی منطقه‌ای هستند (Mearsheimer, 2001: 368). تلاش‌های آمریکا در مناقشه شرق آسیا ناشی از همین اصل است که اجازه ندهد چین در این مناقشه پیروز شود؛ زیرا پیروزی چین، افزایش قدرت این کشور و به‌تبع آن تبدیل شدن به قدرت هژمون منطقه را به دنبال دارد. به این منظور، آمریکا می‌کوشد با ایجاد موازنه قوا از طریق حمایت و پشتیبانی از متحدان خود در شرق آسیا، جلوی قدرت‌یابی رقیب اصلی خود در منطقه؛ یعنی چین را بگیرد.

از طرف دیگر، هر یک از کشورها، مسأله مالکیت بر جزایر را جزو منافع ملی خود می‌دانند. در اصل ریشه منافع ملی را باید در بقا و امنیت ملی جستجو کرد. حفظ تمامیت ارضی از اولویت‌های نخست به شمار می‌رود و سایر اولویت‌های سیاسی تابع این هدف هستند که در بسیاری از موارد اگر ضرورت ایجاد کند، برای حفظ آن باید به زور متوسل شد (قوام، ۱۳۹۲: ۳۱۶). در حال حاضر، این امر در روابط سه کشور نامبرده با یکدیگر، دیده می‌شود. در نظریه موازنه تهدید، محرک رفتاری کشورها، تهدید است. معنای دیگر این

سخن این است که تهدید عامل اصلی اتحادها و کنش‌های یک کشور محسوب می‌شود. در نظریه موازنه تهدید، سه عامل باعث ایجاد تهدید می‌شود که این سه عامل در خصوص موضوع مورد بحث بررسی می‌شود:

الف- نزدیکی جغرافیایی: هرچه فاصله مرزی کشورهای متخاصم نسبت به یکدیگر کمتر باشد، احساس تهدید نیز بیشتر خواهد بود. هر سه کشور کره جنوبی، ژاپن و چین، از محدوده جغرافیایی تقریباً یکسانی برخوردارند و این امر باعث می‌شود که این سه کشور بیشتر از ناحیه جغرافیایی یکدیگر احساس تهدید کنند.

ب- نیت تهاجمی: مناقشات مرزی و عوامل تاریخی، دو عامل مهم در نیت تهاجمی هستند که نحوه درک و تصور بازیگران را نسبت به هم تحت تاثیر قرار می‌دهند. در حال حاضر، سه کشور به وضوح از راه‌های مختلفی، چون: افزایش تسلیحات نظامی و همچنین، با بیان سخنرانی‌های متعدد، نیت تهاجمی خود را در مورد مسأله مناقشه مرزی، نشان دادند (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳).

ج- توانایی عمومی و کلی کشور: همواره از گذشته تاکنون، مسأله دستیابی به درک توانایی‌های دشمن متقابل بسیار مهم بوده است. هرچه توانایی‌های طرف مقابل بیشتر باشد، احساس تهدید نیز بیشتر خواهد بود. هر یک از کشورهای درگیر در این پژوهش، از نظر اقتصادی جزو برترین‌ها در جهان محسوب می‌شوند. علاوه بر این، هر سه کشور در فهرست دارا بودن بالاترین بودجه‌های نظامی قرار دارند و از نظر نظامی نیز به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت که مقاله حاضر به عنوان چارچوب نظری، از ترکیبی از سه نظریه مطرح در عرصه نظری روابط بین‌الملل بهره می‌جوید. نظریه نواقع گرایی و در تکمیل آن، نظریه موازنه تهدید به درک چرایی رفتار سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی در افزایش قدرت داخلی و ورود به اتحادهای خارجی به منظور افزایش

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۶۷

توانایی در مقابل رقبایشان کمک کرده و نظریه هژمون منطقه‌ای نیز به کمک تحلیل رفتار ایالات متحده در این منطقه می‌آید. توضیحات بیشتر در این خصوص را می‌توان در ادامه مقاله و در توضیحات هر بخش مشاهده کرد.

۲- ماهیت اختلاف ارضی در آسیای شرقی

در این بخش از مقاله به بررسی ماهیت اختلافات ارضی سه کشور ژاپن و چین و کره جنوبی می‌پردازیم. به همین منظور، ابتدا تاریخچه اختلافات ارضی چین و ژاپن درباره مجموعه جزایر بررسی و پس از آن به عوامل تشدیدکننده بحران بین این دو کشور اشاره می‌شود. در بخش بعدی، اختلافات ارضی میان ژاپن و کره جنوبی بررسی می‌شود.

۲-۱. **اختلافات ارضی چین و ژاپن:** چین و ژاپن اختلافات ارضی متعددی دارند که در حال حاضر، مهم‌ترین این اختلافات مربوط به مجموعه جزایر سنکاکو/ دیائویو است و در این بخش از مقاله به این اختلافات اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱. **تاریخچه و ماهیت اختلافات ارضی چین و ژاپن:** اختلافات ارضی چین و ژاپن بر سر مالکیت جزایر سنکاکو (به زبان ژاپنی) یا دیائویو (به زبان چینی) در چارچوب منافع اقتصادی، شرایط داخلی، مسائل مربوط به هویت ملی، الزامات قوانین بین‌المللی و نارضایتی تاریخی قابل تشریح است (Drifte, 2013:32). (قابل مشاهده در نقشه ۱)

نقشه ۱: موقعیت جزایر



چندی است که اختلافات ارضی چین و ژاپن در حال تشدید شدن و رسیدن به مرحله تهدید نظامی است. جزایری غیرمسکونی در دریای جنوبی چین که هم اکنون تحت مالکیت ژاپن است و چین نیز مدعی است که این جزایر متعلق به این کشور است، مهم‌ترین نمونه این اختلافات است. دور جدید این اختلافات و تنش سیاسی همزمان با سالگرد اشغال بنادر چین توسط ژاپن در سال ۱۹۳۱ و گفته‌های یک سیاستمدار دست راستی ژاپنی برای انضمام آنها به ژاپن در سال ۲۰۱۳ آغاز شد (پوررشیدی، سایت تبیان، ۱۳۹۱). پس از پایان جنگ سرد، دریای جنوبی چین یکی از نقاط مهم قلمداد می‌شود که در جزایر آن منابع طبیعی مثل نفت، هیدروکربن، منگنز و ماهی وجود دارد و از نظر

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۶۹

استراتژیک، دومین دریای پررفت‌وآمد در آسیای جنوب شرقی قلمداد می‌شود
(Boonpriwan, 2012:1-2).

جزایر سنکاکو/ دیائویو، شامل پنج جزیره غیرمسکونی کوباجیما^۱، توشوجیما^۲، مینامیکوجیما^۳، آستریجیما^۴ و کیتاکوجیما^۵ و سه تخته‌سنگ اوکینوکی‌تایوا^۶، اوکینو مینومی - آیوا^۷ و توییس^۸ است که در مجاورت سرزمین چین، جزیره اوکیناوا^۹ ژاپن و ساحل تایوان قرار دارد.

این جزایر در قسمت وسیع منبع نفتی دریای چین شرقی واقع شده‌اند. از منظر کشور ژاپن، مسأله جزایر سنکاکو/ دیائویو دارای دو جنبه است: نخست، جنبه حوزه استحفاظی است که اساسا با چین بر سر حاکمیت جزایر اختلاف نظر دارد؛ دوم: جنبه اقتصادی است، که بر سر چگونگی ایجاد خط مرزبندی در ناحیه‌ای که ادعا می‌کنند ناحیه اقتصادی اختصاصی آنهاست، با یکدیگر اختلاف نظر دارند (Tasumi , 2013 :107).

اگرچه هم چین و هم تایوان، فوراً نسبت به این جزایر مدعی شدند؛ اما ژاپن ادعا می‌کند که از سال ۱۸۰۰ این جزایر متعلق به این کشور بوده است. در مقابل، چین نیز ادعا می‌کند که این منطقه، منطقه اقتصادی انحصاری چین است؛ هرچند حاکمیت مطلق چین بر این جزایر، به این کشور اجازه خواهد داد تا منطقه اقتصادی انحصاری خود را بر فراز دریای سرزمینی ژاپن، توسعه دهد (Chakravorty, 2013:1-38).

1. Kuba Jima

2. Taisho Jima

3. Minami Kojima

4. Uosturi Jima

5. Kita Kojima

6. Okino Kita iwa

7. Okino Minami- iwa

8. Tobise

طی جنگ نخست میان چین و ژاپن در سال ۱۸۹۵، ژاپن این جزایر را اشغال و تأکید کرد که با توجه به بدون سکنه بودن آنها، هیچ شواهد مستندی مبنی بر تعلق مالکیت آن به چین وجود ندارد. پس از جنگ چینی‌ها موافقت کردند که جزیره «فورموسا» (تایوان) و همه جزایری را که به نوعی مرتبط با این جزیره یا متعلق به آن هستند، به ژاپن واگذار کنند.

پس از جنگ جهانی دوم و شکست ژاپن، بر اساس معاهده سان‌فرانسیسکو میان ژاپن و متحدان، موافقتنامه پیشین لغو شد. آمریکایی‌ها هم بر جزیره مسلط شدند و سلطه آنها تا سال ۱۹۷۲ که اشغال اوکیناوا را پایان دادند، ادامه یافت. در این سال، حاکمیت بر تمام مجمع‌الجزایر ریوکیو، از جمله جزایر سنکاکو به ژاپن واگذار شد (عباسی، ۱۳۹۱: ۳).

همان‌طور که والت^۱ بیان کرده است، نیت تهاجمی یکی از عوامل تهدید به‌شمار می‌آید. به نظر می‌رسد هم اکنون روابط کشورهای چین و ژاپن متأثر از نیت تهاجمی دو کشور است. در موضوع نیت تهاجمی دو عامل وجود دارد که نحوه درک و برداشت کشورها از هم را تحت تاثیر قرار می‌دهد: اول مناقشات مرزی است و دوم عوامل تاریخی (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴). با توضیحات پیشین مشخص می‌شود که این دو عامل در خصوص این جزایر به وضوح قابل مشاهده است.

۲-۱-۲. عوامل تشدیدکننده اختلافات ارضی چین و ژاپن: در کنار سابقه تاریخی و ماهیت حقوقی مناقشات ارضی چین و ژاپن، بسیاری از عوامل بر تشدید مناقشات افزوده است که در ادامه به چند مورد مهم‌تر از آنها اشاره می‌شود:

در روز ۷ سپتامبر سال ۲۰۱۰، کشتی ماهیگیری چینی با دو قایق گشت‌زنی گارد ساحلی ژاپن در نزدیکی جزایر سنکاکو/ دیائویو برخورد کرد و کاپیتان کشتی توسط ملوانان ژاپنی دستگیر شد. چین در اقدامی تلافی‌جویانه، توریست‌های ژاپنی را با اتهامات

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۷۱

کاذب دستگیر کرد و محدودیت‌هایی در خصوص صادرات فلزات کمیاب که برای صنعت پیشرفته ژاپن حیاتی هستند، وضع کرد. این اقدام به شدت اعتماد ژاپن به چین را به عنوان یک شریک قابل اعتماد خدشه‌دار کرد (Chakravorty, 2013: 1-38). در سپتامبر ۲۰۱۲، نخست وزیر ژاپن، یوشیهیکو نودا، اعلام کرد که توافقنامه‌ای را صورت داده است که طی آن، سه جزیره از پنج جزیره (اوتسوری جیما^۱، کیتا کوجیما^۲، مینامی-کوجیما^۳) را به مبلغ بیش از ۲۰ میلیون یورو از مالک خصوصی آن خریده است. این اقدام ژاپن خشم چینی‌ها را به دنبال داشت (Tatsumi, 2013: 117).

وجود معبدی به نام یاسوکونی^۴ نیز جنجال‌آفرین شده است. معبد یاسوکونی، معبد یادبود کشته‌شدگان ارتش امپراتوری ژاپن در جنگ جهانی دوم است که در توکیو ساخته شده است. این معبد، مقبره حدود دو و نیم میلیون قربانی ارتش ژاپن از جنگ بوشین^(۱) در سال ۱۸۶۷ تا پایان جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌آید. چهارده مقام ژاپن که جنایتکاران رده اول جنگی در جنگ جهانی دوم محسوب می‌شدند و اعدام شده یا در زمان حبس جان خود را از دست دادند، در این مکان دفن شده‌اند (Okuyama, 2009: 236). شینزو آبه^۵، نخست وزیر فعلی ژاپن، در سال ۱۳۹۳ برای چندمین بار قصد بازدید از این معبد را داشت که با هشدار شدید چین روبه‌رو شد. چین این اقدام ژاپن را تکرار اشتباه تاریخی آن دانست (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۰۵/۲۴).

با همه این کشمکش‌ها، رابطه ژاپن با چین و کره به دلیل عذرخواهی نکردن ژاپن از رفتارهایش در طول جنگ دوم جهانی، هنوز بهبود نیافته است؛ زیرا دولت‌مردان ژاپنی

1. Uotsuri-jima
2. Kita-Kojima
3. Minami-Kojima
4. Yasukuni Shrine
5. Shinzo Abe

عذرخواهی از چین را به‌مثابه پذیرش خطاهای خود تلقی می‌کنند. اگرچه چنین رفتاری می‌تواند آثار مثبتی در صحنه روابط برون‌مرزی هر دو کشور به همراه داشته باشد؛ اما مسئولان سیاسی ژاپن معتقدند چنین عملی آثار منفی در بین اقوام و اقلیت‌های ژاپنی که مخالف چین هستند، باقی می‌گذارد (هارتمن، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

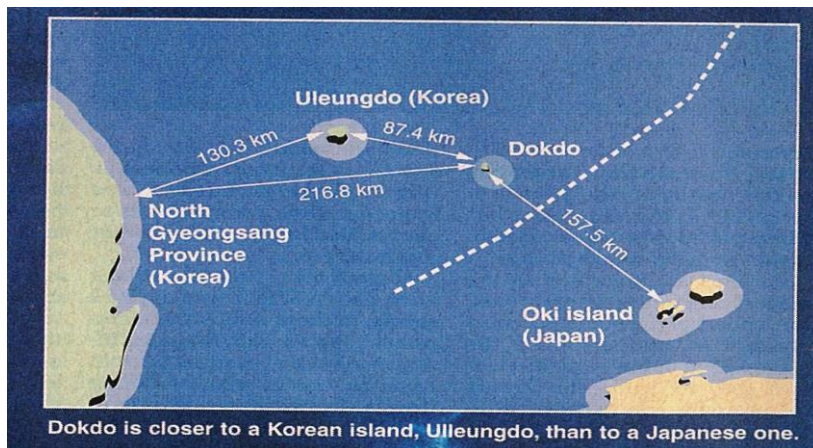
نکته آخر در این بخش اینکه، نقش ایالات متحده آمریکا در این اختلاف را نمی‌توان نادیده گرفت. هرچند آمریکا در ابتدا موضع خود را بی‌طرف اعلام کرد؛ اما چندی بعد به طور آشکار از ژاپن در برابر چین حمایت کرد. چین رقیب اصلی آمریکا در منطقه است و به‌نوعی با توجه به نظریات مرشایمر^۱، آمریکا با برقراری سیستم موازنه قوا در منطقه، با طرفداری از متحدان خود، سعی دارد رقیب خود را در سطح کنونی نگه دارد و جلوی افزایش برتری تسلیحاتی چین و سایر اقداماتی که منافع آمریکا را در منطقه با خطر و تهدید روبه‌رو می‌کند، با استفاده از این شیوه بگیرد. چین به‌سرعت در حال رشد است و نگرانی آمریکا از هژمون‌شدن چین در منطقه است؛ زیرا هژمون‌شدن در منطقه، خطر بزرگی برای هژمون جهانی به‌شمار می‌آید.

ایالات متحده در راهبرد اعلامی در سال ۲۰۱۲ بر چرخش استراتژیک به سمت شرق آسیا تاکید کرد. علت این تغییر نگاه راهبردی، مقابله با قدرت گرفتن چین به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب جهانی ایالات متحده عنوان شده است. بهترین مکان برای مقابله با این مسأله، منطقه آسیای شرقی است. اگر بتوان چین را در منطقه خودش مهار کرد، دیگر نیاز به مقابله با سیاست‌های جهانی پکن کمتر احساس می‌شود (*u.s defense secretery*: official site, 2012).

۲-۲. اختلافات ارضی ژاپن و کره جنوبی: همان‌طور که در مقدمه بیان شد، ژاپن و کره جنوبی بر سر جزایر دوکدو (به زبان کره‌ای) و تاکیشیما (به زبان ژاپنی)، واقع در دریای

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۷۳

ژاپن، اختلاف دارند. حاکمیت کنونی این جزایر با کره جنوبی است؛ اما ژاپن نیز مدعی مالکیت آنهاست (رک. نقشه ۲)



نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی جزایر دوکدو (تاکیشیما) نسبت به ژاپن و کره جنوبی

این مناقشه نشأت گرفته از مسائل تاریخی ناشی از حکمرانی ژاپن به شبه جزیره کره در سال‌های ۱۹۱۰-۱۹۴۵ میلادی و نیز جنگ ژاپن با چین در ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ است. مساحت این جزایر حدود ۱۹ هکتار است و در منطقه‌ای واقع است که با فاصله تقریبی ۲۰۰ کیلومتر هم از کره و هم از ژاپن وجود دارد. تنش بین کره جنوبی و ژاپن که بیش از چندین سال نهمفته بود، در اوت ۲۰۱۲ به اوج خود رسید. لی میونگ باک^۱، رییس جمهور کره، نخستین رهبر کره‌ای بود که تصمیم گرفت از جزایر بازدید کند و همین امر موجبات نارضایتی ژاپن را فراهم کرد. در ادامه، کره جنوبی از ژاپن خواست تا از شبه جزیره کره

1. Lee Myung-bak

بابت ستم‌های امپراتوری ژاپن عذرخواهی کند؛ اما ژاپن مسأله بردگی جنسی زنان کره در جنگ را انکار کرد و تنش‌ها افزایش یافت.

در همین راستا، کره جنوبی تمرینات نظامی برنامه‌ریزی شده‌ای را در این جزایر انجام داد و مقامات این کشور اعلام کردند این جزایر را مکانی مقدس دانسته و برای محافظت از آن هر هزینه‌ای را پرداخت خواهند کرد (Chakravorty, 2013: 1-16). تنش‌ها تا آنجا پیش رفت که کره جنوبی قرارداد مبادله ارز با ژاپن را لغو کرد.

۲۵ اکتبر هر سال، به‌عنوان روز جشن دوکدو^۱ در کره جنوبی است؛ حتی نام دریای ژاپن برای دریا، بین دو کشور مملو از تنش است؛ تا جایی که سرود ملی کره جنوبی نیز به دریا اشاره دارد (Chakravorty, 2013: 18-38). در مقابل این اقدامات کره جنوبی، اوسامو فوجیمورا^۲، دبیرکل کابینه ژاپن در واکنش به سفر لی اعلام کرد:

توکیو نسبت به این جزایر و ادعاهایی که برسر آن وجود دارد، به کره جنوبی هشدار داده شده است. ما بیشتر از سؤال خواسته‌ایم تا سفر لی را به این جزایر لغو کند.

مقام‌های کره اعلام کردند که این سفر اهمیت وجود منابع و ذخایر طبیعی را در منطقه بارز و مشخص می‌کند و این کشور قصد ندارد با انجام این سفر باعث بروز تنش میان سئول و توکیو شود (سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱: ۱). در سال ۲۰۱۴، ژاپن اعلام کرد که قصد دارد مالکیت خود بر جزایر تاکیشیما در دریای ژاپن را در کتب درسی مدارس کشورش بگنجانند و این امر باعث اعتراض شدید کره جنوبی و احضار سفیر ژاپن توسط کره شد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). به‌نظر می‌رسد مسائل ارضی در شرق آسیا، به عامل بی‌ثبات

1. Dokdo
2. Osamu Fujimori

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۷۵

کننده‌ای در منطقه تبدیل شده است. آنچه تاکنون رخ داده، نشان‌دهنده تاریخ طولانی این اختلافات است که نشانه‌های ناسیونالیستی بر پیچیدگی حل آن افزوده است.

۳. وضعیت امنیتی منطقه متأثر از مناقشات ارضی

در این بخش از مقاله به سه موضوع مهم متأثر از مناقشات ارضی در آسیای شرقی و جنوب شرقی پرداخته می‌شود: در ابتدا تاثیر این مناقشات بر افزایش رقابت‌های تسلیحاتی و اقدامات امنیتی میان این سه کشور بررسی و سپس به حضور و نقش ایالات متحده در این مناقشات اشاره می‌شود و در انتها نیز تاثیر مناقشات در خواسته‌های افکار عمومی سه کشور بررسی می‌گردد.

۳-۱. رقابت‌های امنیتی و افزایش مسابقات تسلیحاتی بین سه کشور: چین، ژاپن و کره جنوبی پس از شدت گرفتن تنش‌ها در منطقه، به دنبال کسب حداکثر قدرت خود از طریق افزایش قوای نظامی، برای مقابله با هرگونه تهدید از ناحیه طرف‌های مقابل هستند. چین در چند سال اخیر اقدام به فرستادن ناوهای گشت‌زنی خود در اطراف جزایر مورد مناقشه کرده است که به درگیری بین گارد ساحلی ژاپن و ناوهای گشت‌زنی منجر شد. این مسائل که می‌توان به‌عنوان تهدید از آن یاد کرد، هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود؛ حتی اقدام چین در ایجاد منطقه دفاع هوایی در قسمت دریای چین شرقی که شامل جزایر نیز می‌شود، به تحركات تهدیدآمیز منطقه افزوده است (Los Angeles time, 2015: cloud).

همان‌طور که بیان شد، هیچ کدام از این کشورها از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کنند. شیرو آبه، نخست وزیر کنونی ژاپن، در رقابت‌های انتخاباتی به مردم قول داده بود که مسأله جزایر را حل کند. به همین منظور، پس از انتخاب شدن، تمرکز خود را بر افزایش بودجه‌های نظامی و دفاعی و امنیتی ژاپن قرار داده است. در حال حاضر، این بحران لطمه‌های فراوانی به اقتصاد چین و ژاپن و کره جنوبی زده است.

تمرین‌های دریایی و هوایی مشترک توسط ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی در دریای زرد در ژوئیه و اوت ۲۰۱۰ به افزایش تنش‌ها در این منطقه افزود (-Yee, 2011:165). پاسخ چین به اختلافات جزایر سنکاکو، هم‌اکنون تحت فرماندهی مستقیم و هماهنگی نیروهای اجرایی در سطح بالایی از حزب کمونیست چین، به‌رهبری شی جین پینگ است (خوشروزاده، ۱۳۹۳:۳). مرجع اطلاعات نظامی آساهی شانبون^۱ اعلام کرده که دو کشور چندین بار در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۳ با جت‌های جنگی خود با یکدیگر درگیر شده‌اند؛ هر چند هیچ اخبار عمومی در این زمینه اعلام نکرد. به‌گفته این منابع دو جنگنده جیان-۱۰ از یک پایگاه هوایی خارج از^۱ شانگهای در تعقیب هوابردهای هشدار دهنده و هواپیماهای کنترل آمریکایی که یک سیستم نظارت برای ردیابی هواپیماهای دیگر است، در فاصله نزدیک در شمال جزایر سنکاکو به پرواز درآمدند (Minemura, 2013:22).

ایجاد منطقه هوایی دفاعی چین در آب‌های بین تایوان و کره جنوبی و منطقه مورد مناقشه با ژاپن، اعتراض توکیو، سئول و واشنگتن را دربرداشته است. همزمان با ایجاد منطقه دفاعی بر فراز این جزایر، وزارت دفاع چین نیز قوانین ویژه‌ای را وضع کرده است که از این پس کلیه هواپیماهایی که بر فراز این منطقه پرواز می‌کنند، باید قوانین مربوط به شناسایی و اعلام هویت خود را رعایت کنند. بر اساس این قوانین، کلیه هواپیماهایی که قصد پرواز بر فراز این منطقه را دارند، باید ملیت و مقصد پرواز خود را اعلام کنند تا مقام‌های چینی اجازه پرواز بر فراز این منطقه را به آنان بدهند. این منطقه دفاعی هوایی شامل مناطقی در دریای شرق چین بین کره جنوبی و تایوان است و جزایر مورد ادعای ژاپن را نیز شامل می‌شود. وزارت دفاع چین هشدار داده است که نیروهای مسلح این کشور در برابر هواپیماهایی که همکاری لازم را نداشته باشند و از این مقررات تبعیت نکنند، تدابیر لازم دفاعی را اتخاذ خواهد کرد. به دنبال آن، مقامات ژاپن به‌سرعت به این

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۷۷

طرح دفاعی چین واکنش نشان دادند و آن را عامل بی‌ثباتی و افزایش تنش در منطقه خواندند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۰۹/۰۴).

به عقیده برخی تحلیلگران نظامی، مانورهای نظامی چین با هدف حمله و به دست گرفتن کنترل جزایر مورد مناقشه این کشور با ژاپن طراحی شده و در حال انجام است (Dyer, 2014:5). یک مقام ارشد ارتش آمریکا در همین زمینه گفت:

ما متوجه شدیم که ارتش آزادی‌بخش خلق چین در حال انجام مانورهایی برای انجام یک جنگ کوتاه و سریع علیه ژاپن است تا این جزایر مورد مناقشه را بار دیگر از دست توکیو درآورد و مالک آن‌ها شود یا حتی به جزیره ریوکیو در جنوب حمله کند و کنترل آن را به دست آورد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۱۱/۰۳).

گزارش‌های خبری نشان می‌دهد ارتش چین برای آمادگی رزمی تدابیری را آغاز کرده است. به دستور رهبران ارتش، جنگنده‌های چین در جنوب شرق این کشور مستقر شده‌اند تا در صورت لزوم فوری وارد عمل شوند. این در حالی است که ده‌ها فروند جنگنده و ناو چینی نیز در دریای شرقی تمرینات آمادگی رزمی را آغاز کرده‌اند. به دستور شی جین پینگ، فرمانده کل قوا و دبیرکل حزب حاکم چین، چندین نهاد مامور برنامه‌ریزی برای نبردهای احتمالی در این دو منطقه شده‌اند که چین با ژاپن، فیلیپین و ویتنام بر سر مالکیت بر جزایر آن اختلاف گسترده دارد.

تیره‌تر شدن شرایط منطقه درحالی است که شینزو آبه، نخست‌وزیر محافظه‌کار ژاپن نخستین سفر خارجی خود را پس از به‌دست گرفتن قدرت از کشورهای همسایه چین مانند ویتنام شروع کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۱۱/۰۳). بنابراین، هریک از سه کشور به دنبال افزایش تسلیحات خود برآمدند. این امر باعث نگرانی کشورهای منطقه شده است و با توجه به عمق اختلافات، احتمال جنگی قریب‌الوقوع در شرق آسیا وجود دارد.

به طور خلاصه، وضعیت سه کشور بر اثر این بحران را می‌توان در جدول ۱ مشاهده کرد:

جدول ۱: وضعیت نظامی سه کشور چین، ژاپن و کره

کشور	اقدامات نظامی
چین	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش بودجه نظامی به ۱۲۳ میلیارد دلار. • در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۱,۶ درصد نسبت به سال گذشته هزینه جنگ‌افزار کرده است. • میزان خرید تسلیحات از خارج را کاهش و صنایع تسلیحاتی خود را به شدت گسترش داده است. • افزایش ناوگان‌های دریایی و نیروی هوایی.
ژاپن	<ul style="list-style-type: none"> • خرید بیش از ۴۰ فروند جنگنده اف ۳۵ از آمریکا. • استقرار دو فروند ناو سنگین هلی‌کوپتر بر. • هزینه تسلیحاتی ژاپن در سال ۲۰۱۳ حدود ۵۱ میلیارد دلار بوده است.
کره جنوبی	<ul style="list-style-type: none"> • خرید ۴۰ فروند جنگنده اف ۳۵ به ارزش ۷ میلیارد دلار. • خرید ۶۰ فروند هواپیمای اف ۱۵-کا ساخت آمریکا با ارزش ۷ میلیارد دلار. • ناوگانی نزدیک به ۱۶۰ فروند اف ۱۶ و ارتقای آن با کمک شرکت <i>BAE</i> انگلستان و یا لاکهید آمریکا. • در اختیار داشتن تانک <i>K-2</i> که بسیار شبیه تانک آبرامز آمریکاست. • در بخش زیرسطحی، خرید زیردریایی آلمانی. • در بخش ناوشکن نیروهای کره جنوبی گام‌های بلندی برداشته‌اند؛ اما رادار مورد استفاده در این سامانه سیستم معروف آمریکایی ایجیس است.

(پایگاه تحلیلی آی پرس: ۱۳۹۳/۰۸/۱۴)

۲-۳. افزایش نفوذ آمریکا در منطقه

مقامات ایالات متحده، در سخنان خود چندین مرتبه دو طرف را به آرامش دعوت کرده‌اند؛ اما با این حال، از مواضع ژاپن و کره جنوبی حمایت می‌کنند. آنها اعلام کردند که آمریکا موظف است طبق توافقنامه امنیتی - دفاعی، از ژاپن در مقابل هرگونه تهدید دفاع کند که این مسأله شامل جزایر سنکاکو نیز می‌شود (McCurry, 2014:11). به نظر می‌رسد که آمریکا این موقعیت را برگ برنده‌ای برای خود در برابر پیشرفت چین می‌داند و از طریق حمایت از سایر کشورهای منطقه می‌خواهد توازن قوایی را در مقابل چین به عنوان رقیب اصلی

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۷۹

خود، برقرار کند. موضع‌گیری‌های مقامات آمریکا در قبال تنش ژاپن و کره جنوبی بسیار قابل توجه است؛ زیرا هر دو کشور از متحدان آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند و اگر اختلاف چین و ژاپن به نفع آمریکا باشد، اختلاف کره و ژاپن به زیان آمریکا خواهد بود. بنابراین، آمریکا در بسیاری از دیدارهای خود بر لزوم حل سریع این اختلاف تاکید کرده است. تمام تمرکز آمریکا در منطقه، جلوگیری از قدرت یافتن بیش از حد چین است. به دنبال این امر، از ژاپن و کره جنوبی در برابر چین دفاع کرده و قراردادهای نظامی و امنیتی با دو کشور به امضا رسانده است. این مسأله باعث افزایش تنش‌ها در شرق آسیا شده است و به نظر می‌رسد با توجه به راهبرد امنیتی جدید ایالات متحده در دوره دوم اوباما، جهان در آینده شاهد حضور جدی آمریکا در شرق آسیا و تمرکز بر تنش‌ها در این منطقه خواهد بود. بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل برای تحلیل این بحران به نظر می‌رسد نظریه هژمونی منطقه‌ای می‌تواند سودمند باشد. قدرت هژمون از راه‌های مختلف که یکی از آنها توازن قواست، مانع از هژمون شدن کشور دیگر در منطقه می‌شود و مداخله آمریکا در مورد این تنش می‌تواند تبعات مهمی در بر داشته باشد.

۳-۳. مردمی شدن اعتراضات: با وجود تمامی عوامل تنش‌زا در منطقه، باید عوامل ناسیونالیستی را نیز به آن افزود. شاید بتوان این مسأله را عاملی مثبت برای دولتمردان این کشورها دانست. با به وجود آمدن تنش‌ها در منطقه، مردم چین، ژاپن و کره جنوبی با برگزاری تظاهرات خیابانی، مالکیت جزایر را حق کشور خود دانستند. مردم ژاپن علیه چین و مردم چین علیه ژاپن دست به اعتراض زدند و این امر خسارت زیادی برای دو طرف در برداشت؛ زیرا مردم دو کشور به مکان‌های طرف‌های مقابل حمله کرده، پرچم‌های یکدیگر را نیز به آتش کشیدند؛ حتی خودروی حامل سفیر آمریکا در چین نیز از حمله معترضان خشمگین چینی به دنبال تظاهرات آنها علیه ادعاهای ژاپن در مورد جزایر مورد مناقشه در امان نماند و به آن نیز آسیب وارد شد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۱/۰۶/۲۹).

دولت‌ها همواره به بهره‌برداری از احساسات ناسیونالیستی مردم گرایش داشته‌اند و دولت چین نیز از این موضوع مستثنا نبوده است؛ اما این حرکت می‌تواند علیه خود دولت نیز نتایجی در پی داشته باشد. برای نمونه، در آغاز سال ۲۰۱۲، هنگامی که وزارت امور خارجه چین خواست با توضیح اینکه کشورش هیچ‌گونه مطالبه‌ای در مورد تمامیت دریای چین جنوبی ندارد، وضعیت را آرام کند، این اقدام وی موجب نارضایتی شدید افکار عمومی شد که در چند دهه گذشته خلاف این امر به آنها گفته شده بود. شمار زیادی از کاربران اینترنتی با مدیریت حزب کمونیست تماس گرفتند و آن را به تبدیل شدن به «خائنان» و «فاسدان»ی که «از خون و عرق مردم بهره‌برداری می‌کنند» و «منافع ملی چین را از بین می‌برند» متهم کردند. رهبران چین از این بیم دارند که چنین خشمی موجب ناآرامی‌هایی شود که بتواند به ثبات کشور صدمه بزند (کلاین، ۱۳۹۲: ۵). به نظر می‌رسد مردم نیز مالکیت جزایر را حق خود دانسته، آن را جزیی از خاک ملی خود می‌دانند. مردمی شدن اعتراضات و خواسته‌های سیاسی سبب خواهد شد تا مصالحه درباره آنها و حل و فصل سیاسی این مشکلات بسیار سخت‌تر شود؛ زیرا فقط میز مذاکره محل نزاع نخواهد بود و مردم کوچه و بازار نیز در نزاع سیاسی درگیر خواهند شد (Pan, 2009: 140).

۴. شیوه‌های احتمالی حل بحران

این نوشتار علمی پس از بررسی وضعیت بحران در منطقه شرق آسیا چند شیوه احتمالی را برای حل تنش در نظر گرفته است که می‌تواند در کاربردی سازی این دانش مؤثر باشد.

۴-۱. **ارجاع مسأله به سازمان ملل متحد:** سه کشور ژاپن، چین و کره جنوبی، آن‌گونه که در مقاله اشاره شد، از مواضع خود کوتاه نمی‌آیند. آنچه تاکنون در این سه کشور رخ داده است، نشان از این امر دارد که این مسأله به یک بحران حیثیتی تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی مردم نیز این جزایر را متعلق به کشور خود می‌دانند؛ تا جایی که بسیاری از آنها

حاضرند جان خود را برای از دست ندادن جزایر فدا کنند.

یکی از بهترین راه‌های حل این مسأله، این است که سازمان ملل متحد قوانین مربوط به امور دریاها را به صورت شفاف‌تر، دقیق‌تر، عادلانه‌تر و بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی بیان کرده و از همه مهم‌تر قوانین باید الزام‌آور باشد؛ به گونه‌ای که اگر کشوری خلاف آن عمل کند، از شیوه تنبیه علیه آن استفاده شود. این اختلافات نه تنها در شرق آسیا؛ بلکه در تمامی قاره‌ها به چشم می‌خورد و متأسفانه تلاش چشمگیری در این زمینه انجام نشده است (Weissmann, 2010: 38).

۴-۲. مذاکرات دوجانبه و چندجانبه: در این مناقشات هر یک از طرفین می‌توانند با استفاده از یک دیپلماسی قوی از بروز بحران و جنگ جلوگیری کنند. برگزاری مانورهای مشترک یا خرید سلاح، نه تنها تنش در منطقه را کم نمی‌کند؛ بلکه به دامنه بحران می‌افزاید. این امر برای هیچ کدام از سه کشور عواقب خوبی به دنبال ندارد؛ مخصوصاً برای چین، که در حال تبدیل شدن به قدرت بزرگ در جهان است و کوچکترین حرکت اشتباه آن باعث می‌شود که کشورها و مردم جهان دیدی منفی از چین داشته باشند و این خدشه بزرگی در راه رسیدن به این مهم خواهد بود؛ بنابراین، می‌توانند با برگزاری جلسات مذاکره مختلف با استفاده از گفتگوهای سازنده به حل بحران و رفع سوء تفاهم‌ها بپردازند.

از آنجا که حل مسأله اختلاف ارضی و مرزی برای سه کشور بسیار حیاتی و مهم است، کشورهای طرف دعوا می‌توانند با برگزاری جلسات متعدد، ضمن کسب اعتماد طرف مقابل در مرحله اول، به بررسی راه‌های کم‌هزینه و کم‌خطر برای حل و فصل مناسب این بحران بپردازند. در چارچوب برگزاری چنین جلساتی، کشورها نسبت به ادراکات و نیات یکدیگر سوءظن کمتری پیدا کرده و به سمت اعتمادسازی و گفتگوهای سازنده پیش بروند و سرانجام پویش‌های واگرایانه را به همگرایی، همکاری و یکپارچه‌سازی تبدیل سازند.

۳-۴. ارجاع به کشور یا کشورهای بی‌طرف: شاید بتوان از کشور یا کشورهای بی‌طرف در این مناقشه یاری طلبید. این امر نیز تنها در صورت توافق سه کشور می‌تواند تا حدودی به آرام کردن اوضاع کمک کند. بسیاری از بحران‌های مهم در تاریخ روابط بین‌الملل از طریق ورود کشور یا کشورهای بی‌طرف، حل شده است. به نظر می‌رسد اگر تلفیقی از هر سه مورد ذکر شده به کار گرفته شود، می‌تواند در حل مناقشه، نه تنها در کشورهای شرق آسیا؛ بلکه بسیاری از کشورهای دیگر در جهان که مشابه چنین مشکلی را دارند، کمک بزرگی کند. در پایان، باید به نقش روزنامه‌های محلی، سایت‌ها و تلویزیون و همچنین، چهره‌های مؤثر ملی برای اقناع افکار عمومی اشاره کرد؛ زیرا این عناصر نقش بسزایی در تعیین و تغییر افکار عمومی دارند و در این بحران به حضور مؤثر آنها نیاز است.

۵. نتیجه‌گیری

همواره برخی کشورها در مورد مسایل ارضی با همسایگان خود دچار اختلاف و در بعضی از موارد جنگ شده‌اند؛ به‌خصوص اختلاف بر سر جزایر که به دلیل شفاف نبودن قوانین بین‌المللی در مورد قوانین آب‌ها همواره باعث درگیری‌هایی از سوی مدعیان اصلی جزایر شده است. ژاپن، چین و کره جنوبی نیز از این امر مستثنا نبوده و یکی از مشکلات اصلی میان آنها همین مسأله است. با توجه به اینکه این سه کشور جزو کشورهای قدرتمند در زمینه‌های مختلف بوده و هریک به‌سرعت در حال افزایش تسلیحات و تمرین‌های مکرر نیروهای نظامی خود هستند، در حال حاضر مسابقات تسلیحاتی در شرق آسیا شدت گرفته است. مقاله حاضر، شرایط جزایر و بحران میان سه کشور را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد. ماهیت تاریخی منازعه، اختلافات به‌جا مانده از جنگ دوم جهانی و سابقه درگیری طولانی در نیمه اول قرن بیستم میان هر سه کشور و عدم مقررات مناسب بین‌المللی، مهم‌ترین دلایل تشدید این بحران شناخته شد.

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۸۳

حضور آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه و برگزاری رزمایش‌های متعدد این کشور با ژاپن و کره جنوبی و همچنین، کشف نفت و گاز در محدوده جزایر مورد اختلاف و کمبود منابع نفتی در شرق آسیا و از طرف دیگر، احساسات ناسیونالیستی مردم هر یک از سه کشور، شرایط را برای حل درگیری‌ها پیچیده‌تر کرده است؛ مسلم است که حل این تنش و اختلاف بسیار دشوار خواهد بود و چه بسا نتایج خشونت‌باری چون جنگ در بر داشته باشد. سه کشور کره جنوبی، ژاپن و چین از قدرت‌های بزرگ اقتصادی در جهان به شمار می‌آیند و هرگونه نتیجه خشونت‌بار به اقتصاد جهان نیز لطمه وارد خواهد کرد. برخی از قدرت‌ها چون آمریکا از این موقعیت به سود خود استفاده کرده و اقدام به فروش تسلیحات نظامی به ژاپن و کره جنوبی کرده‌اند. به نظر می‌رسد تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از به قدرت رسیدن چین در منطقه است. این امر از طریق کمک به متحدان آمریکا در منطقه میسر است. بنابراین، این مسأله به بحرانی جدی در جنوب شرق آسیا تبدیل شده است و احتمال تغییراتی بزرگ در زمینه اقتصادی و امنیتی نیز در جهان به این واسطه وجود خواهد داشت.

مقاله حاضر پس از بررسی شرایط و تاثیرات امنیتی آن در منطقه با توجه به شرایط، چند راهکار ممکن برای خاتمه بحران را نیز مطرح کرد. با توجه به اهمیت موضوع، دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز باید به مسأله حساس بوده، آن را با دقت پیگیری کند.

پی‌نوشت

- ۱- جنگ بوشین (به ژاپنی: 戊辰戦争 *Boshin Sensō*) یک جنگ داخلی در ۱۸۶۹-۱۸۶۸ میان نیروهای حاکم شوگان سالاری توکوگاوا و طرفداران بازگشت قدرت سیاسی به دربار امپراتور در کیوتو در ژاپن بود.

منابع

بی‌نا. (۱۳۹۱). هشدار ژاپنی‌ها به کره جنوبی، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1905319> / ۰۵/۲۰ / ۱۳۹۱.

بی‌نا. (۱۳۹۳). چین نسبت به بازدید شینزو آبه از معبد جنجالی یاسوگونی هشدار داد،

خبرگزاری فارس. قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930524000165> مراجعه در

۱۳۹۴/۳/۱۵.

بی‌نا. (۱۳۹۳). سود هنگفت غرب و اسرائیل از رقابت تسلیحاتی در شرق آسیا، پایگاه

تحلیلی آی پرس. قابل دسترسی در <http://ipress.ir/6129> تاریخ مراجعه ۱۳۹۴/۲/۴.

بی‌نا. (۱۳۹۲). چین در اندیشه حمله به ژاپن است. خبرگزاری ایسنا، سرویس بین‌الملل -

آسیا، خاورمیانه، قابل دسترسی در : <http://isna.ir/fa/news/92120300968>، تاریخ

۱۳۹۲/۱۲/۳.

پور رشیدی، هاتف. (۱۳۹۱). شرق آسیا درگیر مناقشه چین و ژاپن، بخش سیاست تبیان،

قابل دسترسی در:

<http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/Comment/index.aspx?pid=222518>

چگنی‌زاده، غلامعلی. (۱۳۹۲). سیاست بین‌الملل، جزوه درسی سیاست بین‌الملل، دانشگاه

علامه طباطبایی.

خوشروززاده، جعفر. (۱۳۹۳). مناقشه ارضی چین با کشورهای آسیایی در یک نگاه.

نماینده‌گی صدا و سیما در جنوب شرق آسیا، ۳ مرداد ۱۳۹۳.

سیف‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۹). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: انتشارات میزان،

چاپ ششم.

شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران:

انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بحران جزایر مورد مناقشه در جنوب شرق آسیا و تاثیر آن بر ثبات منطقه‌ای / ۱۸۵

عباسی، مهدی. (۱۳۹۱). ارزش اقتصادی دریاها؛ نگاهی به مناقشه چین و ژاپن بر سر جزایر سنکاکو. مرکز مطالعات ژاپن، ۱۹ شهریور، قابل دسترسی در <http://japanstudies.ir/post/2496/>، تاریخ مراجعه ۲/۲۱/۱۳۹۴.

قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت، چاپ هفتم. کلاین، استفان. (۱۳۹۲). جنگ ناسیونالیسم در دریای چین: تنش بین چین، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام و فیلیپین، ترجمه شهباز نخعی، بخش چین و آسیای شمال شرقی، گروه بحران‌های بین‌المللی در پکن، قابل دسترسی در <http://anthropology.ir/node/15667>، تاریخ مراجعه: ۲/۳/۱۳۹۴.

لیک، دیوید و مورگان، پاتریک. (۱۳۹۲). نظم‌های منطقه‌ای-امنیت سازی در جهانی نوین، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.

هارتمن، یورگن. (۱۳۹۰). روابط بین‌الملل، ترجمه جواد قدسی، تهران: سمت.

Boonpriwan, Lalita. (2012). "The South China Sea dispute: Evolution, Conflict Management and Resolution", ICIRD, pp.1-17

Chakravorty, Sandeep. (2013). "China-Japan- Korea: Tangled Relationships", ORF OCCASIONAL PAPER, No.39, MARCH.

Cloud, David. (2015). "U.S. publicly challenges China's moves in disputed islands", Los Angeles Times, 2015.5.21.

Drifte, Reinhard. (2013). "The Senkaku/Diaoyu Islands Territorial Dispute between Japan and China: between the Materialization of the "China Threat" and Japan "Reversing the Ooutcome of World War II?", UNISCI Discussion Papers, No. 32, May.

Dyer, Geoff. (2014). "China training for 'short, sharp war', says senior US naval officer", Financial Time, from: <http://www.ft.com/cms/s/0/687e31a2-99e4-11e3-91cd-00144feab7de.html#axzz3latH94qS>, retrived at: 2015.3.13.

McCurry, Justin. (2014). "Japan: Teachers to Call Senkaku and Takeshima Islands Japanese Territory", Guardian, from: <http://www.>

- theguardian.com/world/2014/jan/28/japan-teachers-call-senkaku-takeshima-island-japanese-territory*, Retrieved at 2015.3.2.
- Mearshimer, John .(2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton Company.
- Minemura, Kenji .(2013). "China's Senkakus Operations Overseen by Party Task Force Led by Xi", *Asahi Shimbun*, 4 February 2013, from: at <http://ajw.asahi.com/article/asia/china/AJ201302040089>, retrived at: 2015.3.17
- N, n (2012) "2012 Defense Strategic Guidance for U.S.", U.S. defense secretery official site, from: http://archive.defense.gov/news/Defense_Strategic_Guidance.pdf, retrived at: 2015.3.10.
- Okuyama, Michiaki .(2009). "THE Yasukuni Shrine Problem in the East Asian Context: Religion and Politcs in Modern Japan: Foundation", *Politics and Religion* from: http://www.politicsandreligionjournal.com/images/pdf_files/srpski/godina3_broj2/Analiza%201.pdf, Retrieved at: 2015.3.15.
- Pan, Junwu .(2009). *Toward a New Framework for Peaceful Settlement of China's Territorial and Boundary Disputes*, NewYork: Martinus Nijhoff Publishers.
- Rozman, Gilbert .(2011). "Chinese Strategic Thinking on Multilateral Regional Security in Northeast Asia", *North East Asia*.
- Tatsumi, Yaki .(2013). "Senkaku Island/East China Sea Disputes-a Japanese Perspective", *Can Maritime Asia Project Workshop three Japans Territorial Disputes*.
- Weissmann, Mikael .(2010). "The South China Sea Conflict and Sino-ASEAN Relations: A Study in Conflict Prevention and Peace Building", *Asian Perspectives* 34 (3).
- Yee, Andy .(2011). "Maritime Territorial Disputes in East Asia: A Comparative Analysis of the South China Sea and the East China Sea", *Journal of Current Chinese Affairs*,40, 2.